

بررسی وضعیت دانش تعلیم و تربیت اسلامی

به منزله رشته علمی و دانشگاهی

محمود نوذری*

چکیده

سه دهه از طرح اندیشه «تأسیس رشته تعلیم و تربیت اسلامی به منزله رشته علمی و دانشگاهی» می‌گذرد و در راستای تحقق آن، مراکز آموزشی و پژوهشی متعددی در این مدت تأسیس شده است. این پژوهش درصدد است با ترسیم تفصیلی اهداف این طرح، میزان توفیق مراکز آموزشی و پژوهشی را در دستیابی به اهداف ترسیم شده، مطالعه کند و موانع موجود بر سر راه تحقق اهداف مذکور را نشان دهد. برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق از روش تحقیق پیمایشی و تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اولاً، دستاوردهای این جریان گرچه فی‌نفسه چشمگیر است و به عنوان مثال به حوزه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی یا مباحث تاریخی- تربیتی یا فقه‌التربیه هویت‌بخشی شده است، اما با در نظر گرفتن اهداف ترسیم شده، هنوز در ابتدای راه است و وضعیت شاخص‌های انسانی، ساختاری و عملکردی متناسب با اهداف ترسیم شده شکل نگرفته و در نتیجه سطح کمی و کیفی دانش تولید شده در بسیاری از زیرشاخه‌های دانش تربیتی، حاکی از شکاف علمی جدی میان وضعیت موجود و مطلوب است. ثانیاً، موانع مختلفی مانند موانع زیست‌بوم‌شناختی، روش‌شناختی، سیاسی روند مطالعات تربیتی را کند کرده، اما در بین آنها یک مانع مهم‌تر وجود دارد که ریشه و بنیان شکل‌گیری موانع دیگر است و آن فقدان مبانی نظری لازم برای ترسیم نقشه جامع علمی جهت تحقق اهداف پیش‌گفته است.

واژگان کلیدی: دانش تربیت اسلامی، اهداف اسلامی دانش تربیتی، وضعیت موجود، موانع

مقدمه

دانش تعلیم و تربیت اسلامی عنوانی است که به نیازهای علمی جوامع اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت، پس از مواجهه تمدن غرب، اشاره دارد. متفکران مسلمان با مشاهده نتایج دانش تربیتی غربی و نهادهای برخاسته از آن در کشورهای اسلامی و نیز نقصان‌های موجود نهادهای تربیتی سنتی، اندیشه بازسازی دانش تربیت اسلامی و نهادهای تربیتی را به منظور تربیت فرد مسلمان و بنای اجتماع اسلامی پیشرفته مطرح کردند. درون‌مایه این دانش نظریه‌پردازی تربیتی بر مبنای تفسیر اسلام از جهان و انسان است و کارکرد اصلی آن ۱) فراهم کردن بنیان‌های علمی برای بازسازی نهادهای تربیتی؛ ۲) برآوردن نیازهای مراکز آموزشی به متون درسی است.

این اندیشه ابتدا در کنفرانس‌های بین‌المللی تعلیم و تربیت مسلمانان^۱ مطرح شد و برگزارکنندگان آن تلاش کردند تا با بررسی ابعاد تعلیم و تربیت جدید در جوامع اسلامی، پیشنهادهایی را برای اصلاح برنامه درسی، تدوین کتب درسی و تحول در تربیت معلم را ارائه کنند. آنچه زمینه ظهور این اندیشه در اذهان برخی متفکران پدید آورد، این بود که آنها مشاهده کردند که راه‌حل اجباری کردن آموزش معارف اسلامی^۲ در مدارس و دانشگاه‌ها کارآیی لازم را برای حفظ عقاید، باورها، ارزش‌ها و رفتار اسلامی دانش‌آموزان و دانشجویان ندارد. مفاهیم و اندیشه‌های سکولاریستی که در ضمن آموزش مفاهیم و دانش‌های غربی القا می‌شود، به تدریج حساسیت کودکان و نوجوانان مسلمان را در معرض فرسایش قرار می‌دهد و موجب تردید در ایمان و باورهای مذهبی می‌شود.

۱. کنفرانس‌های جهانی تعلیم و تربیت مسلمانان مجموعه پنج کنفرانس است که در بین سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۸۷ در کشورهای عربستان، پاکستان، بنگلادش، اندونزی و مغرب برگزار شد. در کنفرانس اول بحران‌های اساسی مفهومی مربوط به تعلیم و تربیت مسلمانان و تأثیر آن بر اذهان نسل‌های جدید مسلمان پرداخت. دومین کنفرانس مسئله تدوین برنامه درسی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی را برای مدارس مورد بررسی قرار داد. در کنفرانس سوم تدوین راهنمای آماده کردن دروس و تألیف متون مناسب برای تدریس در سطوح ابتدایی و متوسطه مورد توجه قرار گرفت. چهارمین کنفرانس مسئله تربیت معلم و دروسی را که معلمان باید بگذارند تا رویکرد اسلامی به تعلیم و تربیت داشته باشند، بررسی شد. کنفرانس پنجم که در سال ۱۹۸۷ تشکیل شد به ارزیابی شرایط کنونی تعلیم و تربیت از زمان اولین کنفرانس تا آن زمان پرداخت (اشرف، ۱۳۷۷، ص ۸۴-۸۵).

۲. جباری شدن تدریس دروس اسلامی راه‌حلی بود که به‌وسیله برخی متخصصان تعلیم و تربیت برای جلوگیری از تزلزل عقاید، ایمان و رفتارهای دینی دانش‌آموزان و دانشجویان در کشورهای اسلامی پیشنهاد شده بود. به عنوان نمونه در پاکستان فضل‌الرحمان وزیر تعلیم و تربیت وقت پاکستان طی دعوتی از تمام متخصصان تعلیم و تربیت درخواست کرد که به سیستم به ارث رسیده از انگلستان وجهه اسلامی بدهند و تنها راه‌حل پیشنهادی آنها، لزوم اجباری شدن تدریس دروس اسلامی در تمام سطوح بود (اشرف، ۱۳۷۹، ص ۸۰).

هم‌زمان با سال‌های برگزاری کنفرانس‌های جهانی تعلیم و تربیت، گروهی دیگر از جامعه‌شناسان مسلمان تحصیل کرده در غرب که در «مرکز اندیشه جهانی اسلامی» گرد هم آمده بودند، اندیشه اسلامی کردن دانش و از جمله علوم تربیتی را با هدف دستیابی به راه‌حلی برای بحران‌های علمی و فرهنگی و عقب‌ماندگی جهان اسلام مطرح و برنامه راهبردی^۱ خود را برای تحقق آن اعلام کردند.

برنامه آنها برای خروج جوامع اسلامی از بحران‌های فعلی و حل ریشه‌ای آن، پدید آوردن یک نظام آموزشی یکپارچه (ادغام نظام آموزشی سنتی و جدید) با حاکمیت اندیشه اسلامی است که ویژگی‌های مثبت هر دو نظام را داشته باشد. پیشنهاد آنها برای یکپارچه‌سازی نظام آموزشی سنتی و جدید این بود که باید علوم انسانی اسلامی تولید شود و به جای علوم غربی در مدارس و دانشگاه‌های سنتی و جدید تدریس شود تا نیاز به آموزش علوم غربی که منشأ بحران‌های مختلف در جوامع اسلامی است از بین برود. از دیدگاه این گروه، اسلامی‌سازی نظام آموزشی تنها برای حفظ ایمان جوانان مسلمان نیست، بلکه مقدمه‌ای برای بازسازی فرهنگی، علمی و اقتصادی جوامع اسلامی و خروج آنها از عقب‌ماندگی و احیای تمدن اسلامی است.

در ایران اندیشه اسلامی‌سازی دانش و از جمله دانش تربیتی پس از انقلاب اسلامی مطرح شد. آنچه زمینه ظهور این اندیشه را در ابتدا در ایران فراهم کرد، تلاش برای اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و نظام آموزش و پرورش بود. با انقلاب اسلامی نیاز عملی به ایجاد تحول در نظام آموزش رسمی که ماهیتی سکولاریستی داشت، زمینه طرح ایجاد «دانشگاه اسلامی» و «آموزش و پرورش اسلامی» را به عنوان بدیل نظام آموزشی پیشین فراهم کرد و تلاش برای تبیین ماهیت دانشگاه و آموزش و پرورش اسلامی آغاز شد. در این میان ایده «اسلامی‌سازی علوم تربیتی»^۲ برای

۱. مؤسسه جهانی اندیشه اسلامی (المعهد العالمی للفرک الاسلامی) (۱۴۰۱ هـ. - ۱۹۸۱ م) در ایالت ویرجینیا رسماً به ثبت رسید و از این طریق به فعالیت‌هایی که از سال (۱۳۹۲ هـ - ۱۹۷۲) شروع کرده بود، شکل رسمی داد. این مؤسسه با برگزاری چند کنفرانس مقدماتی اولین برنامه تفصیلی خود را در زمینه اسلامی کردن علوم ارائه کرد. این برنامه که هم‌اکنون نیز نسبت به برنامه‌هایی که بعد از آن تدوین شده، کامل‌تر و جامع‌تر است، راهنمای خوبی برای فعالیت در عرصه اسلامی‌سازی علوم است. نخستین چاپ این برنامه در سال (۱۴۰۲ هـ - ۱۹۸۲ م) منتشر شد و سپس به زبان‌های دیگر ترجمه و منتشر شد؛ ترجمه این کتاب با عنوان معرفت‌شناسی اسلامی در سال ۱۹۷۴ به وسیله مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی ایران و اسلام در سال ۱۹۷۴ منتشر شد (مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی ایران و اسلام، ۱۳۷۴، ص ۱۷).

۲. طرح بازسازی محتوای درسی علوم تربیتی در ایران در سال ۱۳۶۱ مطرح شد. این طرح پس از تعطیلی دانشگاه‌ها جهت ایجاد تحول بنیادین در ابعاد مختلف دانشگاه و از جمله برنامه درسی آغاز شد. طرح مذکور با همکاری جامعه مدرسین و ستاد انقلاب فرهنگی که مسئولیت بازسازی نظام آموزشی را در دانشگاه به عهده داشت با هدف تدوین رساله‌هایی در مبنای رشته‌های مذکور و نظارت بر تدوین کتب درسی، تدوین شد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸، ص ۴-۱۱).

تأمین محتوای آموزشی در دانشگاه‌ها و همچنین در اختیار نهادن بنیان‌های علمی برای ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش مطرح شد.

با گذشت دو دهه از انقلاب، ایده بازسازی فرهنگی کشور و از جمله بازسازی و ایجاد تحول در نهادهای تربیتی رسمی و غیررسمی مطرح شد. این ایده که در «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، «نقشه جامع علمی کشور»، «سند دانشگاه اسلامی» و «سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش» شکل رسمی و قانونی به خود گرفته است، توسعه زیادی را در قلمرو موضوعات و مسائل دانش تربیت اسلامی ایجاد کرد. در این چهار سند بسیاری از راهبردها^۱ و راهکارها یا به طور مستقیم مربوط به تولید دانش تربیت اسلامی است یا عملی‌سازی آنها نیاز به تولید دانش تربیت اسلامی دارد. در مجموع می‌توان گفت که در ایران، اهداف و آرمان‌های جریان اسلامی‌سازی دانش تربیت اسلامی نسبت به اهداف و آرمان‌های مورد نظر طراحان اولیه^۲ طرح اسلامی‌سازی دانش تربیتی، از نظر کمی و کیفی توسعه یافته و انتظارات از جریان اسلامی‌سازی دانش افزایش یافته است.

از نظر کمی، تولید دانش به منظور ایجاد تحول در نظام تعلیم و تربیت غیررسمی اضافه شده و از نظر کیفی انتظار می‌رود که مراکز آموزشی بتواند روش‌ها و برنامه‌ها و ابزارهای لازم را برای مداخله در مناسبات و روابط تربیتی و تحول در آنها را در اختیار کارگزاران نظام قرار دهند.

در واقع، آنچه امروز در جمهوری اسلامی ایران مسئله مهم تلقی می‌شود، تمدن‌سازی اسلامی از طریق ایجاد تحول در نظام‌های اجتماعی و از جمله نظام تربیت رسمی و غیررسمی است. از محققان تربیت اسلامی هم انتظار می‌رود بنیان‌های علمی را به منظور ایجاد تحول در مناسبات و روابط تربیتی و در نتیجه بازسازی تمدن اسلامی فراهم کنند و روند فعلی الگوگیری از غرب را در حوزه نهادسازی و نظام‌سازی تغییر دهند.

۱. بعنوان نمونه ر. جوع کنید به نقشه‌ی جامع علمی کشور: در این نقشه مطالعات علوم تربیتی مبتنی بر مبانی اسلامی جزء اولویت‌های الف علم و فناوری کشور شمرده شده است و راهبرد کلان دهم که در ذیل آن ۹ راهبرد ملی و ۳۲ اقدام ملی آمده مربوط به موضوع متحول‌سازی و ارتقا کمی و کیفی علوم انسانی و هنر مبتنی بر معارف اسلامی است و در سند تحول آموزش و پرورش راهکارهای ۲-۲ و ۲-۳ و ۲-۴ و ۲-۵ و ۲-۶ و ۱-۲ و ۱-۴ و در نقشه‌ی مهندسی کشور: راهبرد کلان دوم و اولین راهبرد ملی ذیل راهبرد کلان دوم و سومین اقدام ملی ذیل راهبرد کلان اول و دومین راهبرد ملی ذیل راهبرد کلان اول و دومین راهبرد ملی ذیل راهبرد کلان ۱۳ در همین ارتباط است.

۲. تاکید دیدگاه طراحان اولیه اسلامی‌سازی علوم در دنیای اسلام بر اسلامی‌سازی دانشگاه و مدارس از طریق اسلامی‌سازی علوم بود: این مطلب را محتوای کنفرانس‌های جهانی تعلم و تربیت مسلمانان و برنامه‌ی تفصیلی مرکز جهانی اندیشه اسلامی نشان می‌دهد اما در ایران به علت این‌که وجه همت رهبران جمهوری اسلامی ایران اسلامی‌سازی فرهنگ و نهادهای سازنده‌ی آن (رسمی و غیررسمی) است، اسلامی‌سازی علوم از سطح توجه به دانشگاه و مدارس فراتر رفته و همه نهادها را شامل می‌شود؛ بالاتر اینکه حتی در طرح‌های اقتصادی درخواست پیوست فرهنگی شده است.

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران نیازمند نظامی از دانش تربیتی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از متون اسلامی سرچشمه گرفته است و با نظریه پردازی و تولید دانش در حوزه نیازها، واقعیت‌ها، روابط و چالش‌های عینی تربیتی، امکان تولید شیوه‌ها، برنامه‌ها و ابزار کارآمد را برای ایجاد تغییرات مطلوب در نهادهای تربیتی رسمی و غیررسمی فراهم کند. این نیاز معادل نیاز به تأسیس تعلیم و تربیت اسلامی به منزله یک رشته علمی و دانشگاهی است؛ به این دلیل که رسالت تعلیم و تربیت اسلامی به منزله یک رشته علمی و دانشگاهی تولید چنین نظامی از دانش است: تعلیم و تربیت اسلامی به منزله یک رشته علمی و دانشگاهی، ناظر به نظامی از اندیشه است که مستقیم یا غیرمستقیم از متون دینی اسلام سرچشمه گرفته و حاوی شناختی نسبت به پدیده‌ها و روابط موجود در حوزه عملی تعلیم و تربیت، صورت‌های مطلوب آنها و نحوه ایجاد تغییر در آنهاست (باقری، ۱۳۸۸).

در راستای تحقق هدف^۱ مذکور، مراکز پژوهشی و آموزشی متعددی در حوزه و دانشگاه تأسیس شد و اقدامات متعددی انجام شد که به سه دسته قابل تقسیم است:

۱. تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی در حوزه علمیه: گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در حوزه علمیه نخستین مرکزی بود که در سال ۱۳۶۱ فعالیت خود را آغاز کرد. با تأخیری حدود ده سال، گروه علوم تربیتی مؤسسه امام خمینی (ره) فعالیت آموزشی خود را شروع کرد. در سال‌های اخیر روند تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی به شدت رو به گسترش است و هم‌اکنون، بیش از چهارده مرکز غیردولتی در حال فعالیت است.

۲. تأسیس رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش تعلیم و تربیت در سطح کارشناسی ارشد و دکترا در بیش از ده دانشگاه از سال ۱۳۷۰ به بعد.

۳. تأسیس مرکز تربیتی وابسته به آموزش و پرورش (تحقیقات تعلیم و تربیت اسلامی در سال ۱۳۷۷).

اکنون با گذشت سی سال از تأسیس مراکز آموزشی و پژوهشی و تلاش برای دستیابی به دانش تربیتی اسلامی، پژوهش پیش‌رو درصدد است تا وضعیت دانش تعلیم و تربیت اسلامی را پس از

۱. اشاره به اسلامی‌سازی دانش تربیتی و تحول در نهادهای تربیتی به‌عنوان هدف از تأسیس مراکز در پرسشنامه‌های پرشده بوسیله مراکز آموزشی و پژوهشی در بخش اهداف و رسالت‌های آنها آمده است. این پرسشنامه جهت انجام طرح ممیزی دانش تربیت اسلامی تکمیل شده است (انجمن تعلیم و تربیت اسلامی حوزه علمیه قم، پرسشنامه‌های ممیزی دانش تربیت اسلامی).

گذشت سه دهه، از طریق بررسی وضعیت مراکز آموزشی و پژوهشی فعال در حوزه تولید دانش تربیتی اسلامی مطالعه کند و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

وضعیت موجود شاخص‌های انسانی، ساختاری و عملکردی مراکز آموزشی و پژوهشی تربیت اسلامی چگونه است؟

مراکز آموزشی و پژوهشی تا چه اندازه به هدف مورد نظر (زمینه‌سازی برای تأسیس تعلیم و تربیت اسلامی به منزله رشته علمی) دست یافته‌اند؟

موانع عدم دستیابی مراکز آموزشی و پژوهشی به وضعیت نسبتاً مطلوب در تولید دانش تربیتی به منزله رشته علمی چیست؟

روش تحقیق

با توجه به ماهیت پرسش‌های تحقیق از دو روش پیمایشی و تحلیل محتوای کمی استفاده می‌شود. از روش پیمایشی برای تعیین فراوانی شاخص‌ها، تعیین نسبت و درصد و از روش تحلیل محتوای کمی برای تحلیل محتوای مقادیر عددی شاخص‌ها استفاده می‌شود. جامعه آماری در این پژوهش، شامل تمام گروه‌ها و مراکز علمی فعال در حوزه دانش تربیت اسلامی است که بدین شرح می‌باشند:

چهارده مرکز حوزوی که به شکل آکادمیک با هدف آموزش و پژوهش در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی فعالیت می‌کنند؛

گروه‌های علمی دانشگاهی دولتی و آزاد که دوره کارشناسی ارشد و دکتری «تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش اسلامی» برگزار می‌کنند؛

مرکز تحقیقات تربیت اسلامی وابسته به آموزش و پرورش؛

انجمن تعلیم و تربیت اسلامی.

منبع اطلاعات در بخش مراکز غیردولتی، پرسشنامه‌هایی است که به وسیله این مراکز تکمیل شده است و حاوی اطلاعات مربوط به سال‌های ۸۵-۹۰ می‌باشد. منبع اطلاعات در بخش دولتی «مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزش عالی» است که براساس درخواست از آن مرکز، ارائه شده است. اطلاعات به وسیله «انجمن تعلیم و تربیت اسلامی» برای اجرای طرح «ممیزی دانش تربیت اسلامی» گردآوری شده است و در این تحقیق از آنها متناسب با سؤالات تحقیق استفاده می‌شود.

تجزیه و تحلیل به دو صورت انجام می‌شود: کمی و کیفی. در تحلیل کمی با استفاده از شاخص‌های آماری مانند فراوانی و نسبت، اطلاعات دسته‌بندی و گزارش می‌شود. در تحلیل کیفی، محتوای داده‌ها به منظور معلوم نمودن میزان تحقق اهداف مورد نظر از تأسیس مراکز، بررسی می‌شود.

در این پژوهش میزان تحقق اهداف با استفاده از جدول تعیین وضعیت دانش تعلیم و تربیت اسلامی (جدول شماره ۱) اندازه‌گیری می‌شود. در ستون افقی این جدول نشانگرهای تعیین‌کننده وضعیت دانش آمده است؛ این نشانگرها عبارتند از:

- وضعیت کمی و کیفی نیروی انسانی (تعداد هیئت علمی، پژوهشگر، دانشجوی کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و دانش‌آموختگان)؛
- وضعیت کمی و کیفی شاخص‌های ساختاری (تعداد مراکز آموزشی و پژوهشی، قطب علمی، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، عناوین گرایش‌ها و انجمن علمی)؛
- وضعیت کمی و کیفی عملکردی (تعداد پروژه‌ها، کتاب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، نشست‌ها، همایش‌ها، کارگاه‌ها و نشریات).

میزان بهره‌برداری از دانش تولید شده در ایجاد تحول در نهادهای تربیتی رسمی و غیررسمی در ستون عمودی زیرشاخه‌های اصلی و فرعی دانش تربیت آمده است. زیرشاخه اصلی به سه دسته مبانی، مسائل و پشتیبانی تقسیم می‌شود. در حوزه مبانی زیرشاخه‌های مبانی فلسفی و دینی، مبانی روان‌شناختی و مبانی جامعه‌شناختی و در حوزه مسائل زیرشاخه‌های دانش‌های تجویزی و ساحت‌های تربیتی و مسائل تاریخ و تربیتی قرار دارد و در ذیل هر یک از زیرشاخه‌های اصلی نیز گرایش‌های تربیتی فرعی تر آمده است.

در پایین جدول به نشانگر بهره‌برداری اشاره شده است. نشانگر بهره‌برداری نشان می‌دهد که چقدر از دانش تولید شده، برای ایجاد تغییر در نهادهای تربیتی و در نتیجه بازسازی تمدن اسلامی استفاده شده است.

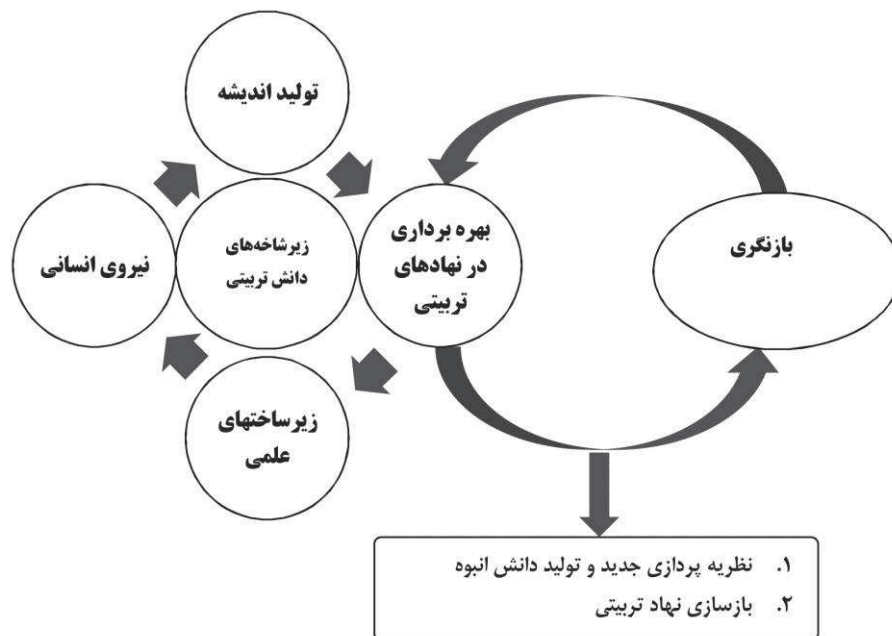
جدول ۲: نقشه تعیین وضعیت دانش تربیت اسلامی

شاخه‌های دانش تربیتی		شاخص‌های نیروی انسانی	شاخص‌های ساختاری	شاخص‌های عملکردی	
مبانی تربیتی	فلسفی و دینی	فلسفه تربیت اسلامی درجه ۱			
		فلسفه تربیت اسلامی درجه ۲			
		فلسفه نهادهای تربیتی			
	روان‌شناختی	روش‌شناسی تحقیق در تربیت اسلامی			
		روان‌شناسی یادگیری			
		روان‌شناسی رشد			
جامعه‌شناختی				
مسائل تربیتی	دانش‌های تجویزی	برنامه‌ریزی درسی			
		تکنولوژی آموزشی			
		مدیریت آموزشی			
		برنامه‌ریزی آموزشی			
		روش تدریس			
		ارزشیابی			
		مشاوره و راهنمایی			
		تکنولوژی آموزشی			
		روان‌شناسی تربیتی			
		جامعه‌شناسی آموزش و پرورش			
		آموزش و پرورش پیش دبستانی			
		آموزش و پرورش دبستانی			
				
پشتیبانی	ساخت‌های تربیتی	اعتقادی و عبادی			
		اخلاقی			
		تربیت اجتماعی سیاسی			
		تربیتی زیست و بدنی			
		تربیت زیباشناختی و هنری			
		تربیت اقتصادی و حرفه‌ای			
		تربیت علمی و فناوری			
				
	مسائل تاریخی و تربیتی	تاریخ نهادهای تربیتی			
		تاریخ آرای تربیتی			
		مکاتب تربیتی			
		سیر تحول آراء تربیتی			
				
....					
پشتیبانی	کتاب‌شناسی				
	فرهنگنامه				
	اصطلاح‌نامه				
...					
بهره‌برداری در نهادهای تربیتی رسمی و غیر رسمی	✓ تولید گفت‌وگو علمی	بازسازی نهادهای تربیتی رسمی و غیر رسمی و در نتیجه احیای تمدن اسلامی	اجرا در نهادهای تربیتی		
	✓ مشارکت در امر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در نهادهای تربیتی				
	✓ نهاد سازی				
	✓ ...				

برای داوری درباره تحقق اهداف، چهار وضعیت در نظر گرفته می‌شود: مطلوب، نامطلوب، گرایش به وضعیت مطلوب و گرایش به وضعیت نامطلوب.

وضعیت مطلوب امری نسبی است و در اینجا مراد از وضعیت مطلوب شکل‌گیری چرخه تولید دانش و پاسخ به نیازهای اجتماعی در هر یک از زیرشاخه‌های دانش تربیتی است. برای نمونه، زمانی که زیرساخت‌های مناسبی از نظر تعداد گروه‌های علمی و برگزاری دوره‌های آموزشی در یک گرایش شکل بگیرد و به طور مستمر به فعالیت آموزشی و پژوهشی بپردازد و نیازهای علمی نهادهای تربیتی را در سطح تقاضاهای علمی برآورده سازد و بتواند به عنوان جایگزین دانش و برنامه‌های وارداتی از غرب شود، می‌توان از وضعیت مطلوب سخن گفت. وضعیت نامطلوب زمانی است که این چرخه به طور کلی شکل نگرفته است. گرایش و وضعیت مطلوب یا نامطلوب نیز براساس میزان تحقق چرخه تولید دانش مشخص می‌شود. شکل زیر وضعیت مطلوب چرخه تولید دانش را در هر زیرشاخه نشان می‌دهد.

چرخه تولید دانش در هر یک از زیرشاخه‌های علوم تربیتی



براساس نمودار نظریه‌پردازی جدید و تولید دانش انبوه و بازسازی نهادهای تربیتی در صورتی انجام می‌شود که چرخه تولید دانش شکل گرفته باشد؛ به میزانی که گردش کارها در چرخه مذکور از جهت کیفی و کمی بهتر انجام شود و تقریباً به وضعیت مطلوب بیشتر است و برعکس.

توصیف و تحلیل یافته‌ها

بررسی یافته‌ها به ترتیب پاسخ پرسش اول تحقیق (وضعیت موجود شاخص‌های انسانی ساختاری و عملکردی دانش تربیت اسلامی) و پاسخ پرسش دوم تحقیق (میزان اهداف ترسیم شده) را به شرح زیر معلوم می‌کند:

۱. وضعیت موجود شاخص‌های انسانی ساختاری و عملکردی دانش تربیت اسلامی

۱-۱. توصیف شاخص‌های انسانی

وضعیت کلی شاخص‌های انسانی برحسب مراکز: جدول شماره ۲ وضعیت شاخص‌های انسانی را در هر یک از مراکز نشان می‌دهد؛ در مجموع ۱۱۳ محقق، ۵۹ نفر عضو هیئت علمی در مراکز مختلف مشغول کارهای علمی و ۴۶ نفر دانشجوی دکتری، ۱۴۰۹ دانشجوی کارشناسی ارشد و ۶۸ دانشجوی کارشناسی مشغول تحصیل هستند.

جدول ۲: وضعیت کلی شاخص‌های انسانی

پژوهگران	اعضای هیات علمی				دانشجوی مقطع دکتری		دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد		دانشجویان کارشناسی	دانش آموخته	
	ش	ب	دکتری		ارشد		ش	ب			
			ش	ب	ش	ب					
۴	-	۴	-	۱	-	۶	-	-	-	-	گروه تربیت اسلامی - پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
-	۳	-	۳	-	-	-	-	۱۷	-	۴۱	دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواران
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	بنیاد اعتلا و تعمیق تربیت اسلامی
۳	-	۱	-	۱	-	-	-	-	-	-	گروه اخلاق و تربیت - پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
-	۶	-	-	-	-	-	-	۱۲۰	-	-	گروه اخلاقی و تربیت - جامعه الزهرا
۱۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	پژوهشکده اخلاق و تربیت - جامعه المصطفی العالمیه (ص)
-	-	-	-	-	-	۷	-	-	-	-	فقه تربیتی - جامعه المصطفی العالمیه (ص)
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	مرکز تربیت مربی - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
-	-	-	-	-	-	-	-	۴۵	-	-	مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	انجمن تعلیم و تربیت (اعضای انجمن ۹۵ نفر مرد و ۳۸ نفر زن می‌باشد)
-	-	۸	-	۲	-	۵	-	۲۷	۲۱	۵۹	گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی مرکز مطالعات تربیت اسلامی
-	-	۴	-	-	-	-	-	۴۴	-	۲۴	گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی
۱۶	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	مؤسسه اشراق و عرفان
۱۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی
۵۳	۹	۱۷	۳	۴	-	۱۸	-	۱۱۶	۲۱	۱۲۴	جمع کل نیروی انسانی
۵۱	-	-	-	-	-	۲۸	-	۱۳۴۱	۴۷	-	دانشگاه دولتی (۸ مورد) و دانشگاه آزاد
۱۱۳	-	-	-	-	-	۴۶	-	۱۴۰۹	۶۸	-	جمع کل مراکز دولتی و غیردولتی

اعضای انجمن ۹۵ نفر مرد و ۳۸ نفر زن

تعداد محققان در یک میلیون نفر جمعیت

در مجموع ۱۱۳ نفر محقق در مراکز آموزشی و پژوهشی در حوزه تربیت اسلامی مشغول کارند. که با توجه به آمار کل جمعیت ایران در سال ۱۳۸۹ به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت در ایران ۱/۵ محقق تربیت اسلامی وجود دارد به عبارتی به ازای هر ۶۶۴۱۶۰ نفر در ایران یک محقق در حوزه تربیت اسلامی استخدام شده است.

تعداد دانشجویان تربیت اسلامی به تفکیک مقطع تحصیلی در یک میلیون نفر جمعیت

در سال ۱۳۸۹ تعداد دانشجویان علوم تربیتی در مراکز دولتی و غیردولتی ۱۵۲۳ نفر برآورد شد که ۶۸ نفر در مقطع کارشناسی، ۱۴۱۱ نفر در مقطع کارشناسی ارشد و ۴۶ نفر در مقطع دکتری تحصیل می‌کنند. افزایش دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد به این دلیل است که رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دانشجو می‌گیرد و در دانشگاه آزاد و پیام نور نهمصد نفر مشغول به تحصیل می‌باشند. با استناد به داده‌های به‌دست آمده در ازای هر یک میلیون نفر جمعیت کشور ۲۰/۳ نفر دانشجوی تربیت اسلامی در سه مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به تحصیل اشتغال دارند. دانشجوی کارشناسی ارشد و ۰/۹ نفر دانشجوی کارشناسی مشغول به تحصیل می‌باشند.

تعداد دانشجویان به تفکیک مرکز آموزشی و مقطع تحصیلی

دانشگاه پیام نور و آزاد در مجموع با ۸۹۵ دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش اسلامی بیشترین دانشجو را داراست. دانشگاه تربیت مدرس با ۲۲ دانشجوی دکتری بیشترین دانشجو را در این مقطع داراست. دانشجویان ارشد و دکتری در دانشگاه‌های دولتی همگی در رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش اسلامی مشغول تحصیل هستند. تنوع گرایش‌ها در مراکز غیردولتی فراوان است که در جدول ۷ آمده است.

جدول ۴: تعداد دانشجویان به تفکیک مرکز آموزشی و مقطع تحصیلی

کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	جمع کل	
۰	۰	۶	۶	گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۲۱	۲۷	۵	۵۳	گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۴۷	۱۷	۰	۶۴	پردیس خاوران دانشگاه امام صادق (ع)
۰	۱۲۰	۰	۱۲۰	گروه اخلاق و تربیت جامعه الزهراء
۰	۴۵	۰	۴۵	مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
۰	۰	۷	۷	گروه فقه تربیتی جامعه المصطفی العالمیه
۰	۴۴	۰	۴۴	گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی
۰	۳۴	۰	۳۴	دانشگاه بوعلی
۰	۳۷	۲۲	۵۹	دانشگاه تربیت مدرس
۰	۴۳	۰	۴۳	دانشگاه شاهد
۰	۴۷	۶	۵۳	دانشگاه شیراز
۰	۴۷	۰	۴۷	دانشگاه علامه طباطبایی
۰	۱۱	۰	۱۱	دانشگاه ملایر
۰	۴۴۷	۰	۴۴۷	دانشگاه پیام نور
۰	۴۴۸	۰	۴۴۸	دانشگاه آزاد
۰	۴۲	۰	۴۲	دانشگاه هرمزگان

۱-۲. توصیف شاخص‌های ساختاری

وضعیت کلی شاخص‌های ساختاری

جدول ۵ وضعیت شاخص‌های ساختاری را نشان می‌دهد. ده مرکز دولتی و چهارده مرکز غیردولتی به کار پژوهشی و آموزشی می‌پردازند. شش مرکز غیردولتی و هشت مرکز دولتی در یازده گرایش به آموزش دانشجویان می‌پردازند. يك انجمن علمی فعال است؛ قطب علمی وجود ندارد و ۲۳ پایگاه علمی در حوزه اطلاع رسانی فعالیت می‌کنند.

جدول ۵: وضعیت کلی شاخص‌های ساختاری

قطب علمی	پایگاه اطلاع‌رسانی	عنوان و گرایش‌های آموزشی	وابستگی	نوع مرکز	عنوان مرکز
۰	۱	تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش تعلیم و تربیت اسلامی	دولتی	پژوهشی - آموزشی	گروه تربیت اسلامی - پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۰	۱	معارف اسلامی و علوم تربیتی		پژوهشی - آموزشی	دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران
۰	۱	مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی		پژوهشی - آموزشی	۳ ستاد اعتلا و تعمیق تربیت اسلامی
۰	۱	-		پژوهشی - آموزشی	۴ گروه اخلاق و تربیت - پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۰	۱	-		پژوهشی - آموزشی	۵ گروه اخلاق و تربیت - جامعه الزهر
۰	۱	-		پژوهشی - آموزشی	۶ پژوهشگاه اخلاق و تعلیم و تربیت - جامعه المصطفی العالمیه (ص)
۰	۱	فقه تربیتی		پژوهشی - آموزشی	۷ فقه تربیتی - جامعه المصطفی العالمیه (ص)
۰	۱	-		آموزشی	۸ مرکز تربیت مربی - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۰	۱	-		آموزشی	۹ مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
۰	۱	-		پژوهشی - آموزشی	۱۰ انجمن تعلیم و تربیت
۰	۱	تربیت دینی ۶ نفر مقطع کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش تعلیم و تربیت اسلامی ۲۱ نفر مقطع کارشناسی ارشد - تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش تعلیم و تربیت اسلامی ۵ نفر مقطع دکتری		پژوهشی - آموزشی	گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۰	۱	روانشناسی تربیتی ۷ نفر		پژوهشی - آموزشی	۱۲ گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی مرکز مطالعات تربیت اسلامی
۰	۱	برنامه‌ریزی درسی و آموزشی ۱۲ نفر		پژوهشی - آموزشی	۱۳ گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی
۰	۱	روانشناسی تربیتی ۶ نفر		پژوهشی - آموزشی	۱۴ مؤسسه اشراق و عرفان
۰	۱	مدیریت آموزشی ۸ نفر		پژوهشی - آموزشی	۱۵ مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی
۰	۱	تکنولوژی آموزشی ۶ نفر		آموزشی	۱۶ دانشگاه دولتی ۸ مورد
۰	۱	تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش اسلامی	دولتی	آموزشی	۱۷ دانشگاه آزاد
۰	۱	تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش اسلامی	غیردولتی	آموزشی	

۱. توصیف شاخص‌های عملکردی

جدول شماره ۶ وضعیت شاخص‌های عملکردی را برحسب مراکز نشان می‌دهد. در مجموع ۴۷ طرح اتمام یافته، ۳۵ طرح جاری، ۴۴ کتاب، ۲۶۳ مقاله، ۶۲ همایش و نشست، هفده کارگاه و سه نشریه، عملکرد مراکز پژوهشی غیردولتی از ۸۵-۸۹ می‌باشد.

جدول ۶: وضعیت کلی شاخص‌های عملکردی

نشریات	کارگاه‌ها	همایش‌ها / نشست‌ها	پایان نامه‌ها	مقالات	کتاب‌ها	طرح‌های جاری	طرح‌های اتمام یافته	
۱	۰	۴	۱	۸	۹	۲	۷	گروه تربیت اسلامی - پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
-	۳	۷	۴۰	۱	۵	-	-	دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران
-	-	-	-	۷۰	-	-	-	ستاد اعتلا و تعمیق تربیت اسلامی
-	-	۴	-	-	۳	۲	-	گروه اخلاق و تربیت - پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
-	۱	۵	۴۶	۵۵	۳	۴	۱	گروه اخلاق و تربیت - جامعه الزهرا
-	-	۸	-	-	-	-	-	پژوهشکده اخلاق و تعلیم و تربیت - جامعه المصطفی العالمیه (ص)
-	-	-	-	-	-	-	-	فقه تربیتی - جامعه المصطفی العالمیه (ص)
-	-	-	-	۱۳۰	-	-	-	مرکز تربیت مربی - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
-	۲	-	-	-	-	-	-	مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت
-	۹	۱۷	-	-	-	۲	-	انجمن تعلیم و تربیت
۱	-	۱۱	۲۳	۱۶	۲۰	۲	۳	گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۱	-	-	-	-	-	۱۴	-	گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی مرکز مطالعات تربیت اسلامی
-	۱	۴	۹۲	۲۷	-	-	-	گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی
-	۱	۲	-	۵۸	۴	۷	۱۸	مؤسسه اشراق و عرفان
-	-	-	-	۱۵	-	۲	۱۸	مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی
۳	۱۷	۶۲	۲۰۲	۲۶۳	۴۴	۳۵	۴۷	جمع کل

۲. میزان تحقق اهداف طرح اسلامی دانش تربیتی

در مقدمه بیان شد که هدف جریان اسلامی سازی دانش تربیتی، زمینه‌سازی برای تأسیس رشته تعلیم و تربیت اسلامی است؛ در بخش روش‌شناسی تحقیق معیار اندازه‌گیری میزان تحقق اهداف معلوم شد؛ در آنجا بیان شد که میزان تحقق اهداف در هر یک از زیرشاخه‌های دانش تربیتی براساس شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری چرخه تولید دانش تعیین می‌شود و وضعیت کلی دانش تربیتی براساس وضعیت زیرشاخه مشخص می‌شود. بر این مبنا در اینجا ابتدا میزان تحقق اهداف در هر یک از زیرشاخه‌ها و آنگاه وضعیت کلی دانش تربیتی توضیح داده می‌شود.

۱-۲. میزان تحقق اهداف در حوزه مبانی تربیتی

مبانی فلسفی تربیتی در زیرشاخه فلسفه تعلیم و تربیت درجه ۱ از وضعیت نسبتاً مطلوب برخوردار است. گروه‌های علمی در نه دانشگاه دولتی و دانشگاه آزاد و یک مرکز غیردولتی به تربیت نیروی انسانی در دوره کارشناسی ارشد و دکتری، با ۱۴۳۹ نفر دانشجو، مشغول می‌باشند. اعضای هیئت علمی به تعداد ۵۹ نفر و محققان به تعداد ۱۱۳ نفر که در این مراکز مشغول کارند، عمدتاً از فارغ‌التحصیلان همین رشته هستند. میزان آثار تولیدی از نظر کیفی و کمی وضعیت خوبی دارد. در حوزه بهره‌برداری نیز وضعیت قابل قبول است؛ گفتمان فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در جامعه علمی شکل گرفته و به آن هویت بخشی شده است. محققان این رشته در حوزه تولید مبانی نظری سند ملی آموزش و پرورش و تدوین سند ملی آن نقش جدی داشته‌اند و افزون بر آن، در بسیاری از مراکز تصمیم‌گیری حضور جدی و تأثیرگذار دارند. بخشی که در حوزه بهره‌برداری هنوز بررسی و تدوین نشده، بررسی و تدوین فلسفه نهادهای تربیتی دیگر (غیر از آموزش و پرورش رسمی) مانند فلسفه آموزش عالی در ایران است.

مبانی فلسفی در زیرشاخه فلسفه درجه ۲ به مباحثی مانند ماهیت، اهداف و روش‌شناسی رشته تعلیم و تربیت اسلامی می‌پردازد که در این میان مبحث روش‌شناسی تحقیق بیشتر مورد توجه متفکران قرار گرفته و از بقیه مسائل غفلت شده است. دستاورد اندیشمندان در این مبحث در دو سطح روش‌شناسی بنیادی و کاربردی قابل بررسی است. ورود این اندیشمندان به بحث روش‌شناسی بنیادین (داده‌های معتبر کدام است؟)، اصولاً با پذیرش کلیات روش‌شناسی علم مدرن غربی و حداکثر افزودن برخی خطوط قرمز و چهارچوب‌ها برای آنها یا دست بردن در برخی جزئیات (که در ادامه اشاره خواهد شد) است. گویی از دیدگاه آنان اشکال روش‌شناسی تجربی - مثلاً - با دو قید حل می‌شود: این روش را در موضوعات مجاز به کار بگیریم و نه موضوعات شرعاً غیرمجاز (که این مسئله اصلاً ارتباطی به خود روش‌شناسی ندارد) و دوم اینکه، برخی ملاحظات دینی و شرعی را در هنگام به کار بردن این روش به کار بندیم (مثل اینکه مثلاً، اگر پژوهش مستلزم برخی پرسش‌ها یا اقدامات خلاف شرعی بود، آن بخش‌ها را حذف کنیم). حال آنکه در روش‌شناسی تجربی، اشکال در اصل واقع‌نمایی و توان روش تجربی برای حکایت از واقع و محدودیت‌ها و تنگناهای معرفت‌شناختی آن است. عمده این افراد، یا به این نکته توجه نداشته و یا برای حل آن، به دیگر روش‌شناسی‌های غربی (همانند پارادایم‌گرایی کوهنی، بدون هیچ‌گونه اصلاح یا تغییر یا تکمیل آن یا تاریخ‌گرایی و تفسیرگرایی) متوسل شده‌اند و از چاله به چاه افتاده‌اند. خلاصه آنکه، بنیاد و پیکره اصلی یافته‌ها و فعالیت‌های آنان در حوزه روش‌شناسی بنیادین، در

حاشیه و سایه روش‌شناسی‌های غربی پیشرفت کرده است. مهم‌ترین دلیل این مسئله - به اقرار امثال علوانی - ضعف دانش فلسفی پیشگامان این عرصه و تمرکز بیشترشان بر فعالیت ترویجی (و نه کار علمی و پژوهشی عمیق و دقیق) و مقهور ادبیات رایج شدن است، هرچند خودشان نهایت تلاش را کرده‌اند که مقهور دستاوردهای نرم‌افزاری و فکری غرب نشوند، ولی در حوزه ادبیات و مبانی مرتبط با علم، عملاً مقهور شده‌اند. این نکته را هم باید بیفزاییم که این افراد همیشه تصریح می‌کنند که مبانی علم غربی با علم اسلامی تفاوت دارد و ما موحد هستیم و آنها سکولار و ما نبوت را قبول داریم و آنها ندارند و... ولی آنچه مهم است این است که امتداد این حرف‌ها را در حد همان معیارهای شرعی حداقلی برای روش‌های پژوهش یا انتخاب موضوعاتی که مشروع بوده و به پیشرفت شریعت کمک کند، می‌بینند و نه در ساختار و چهارچوب و تار و پود نظریه‌های علمی (لطیفی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۶-۳۶۸).

در سطح روش‌شناسی کاربردی اصولاً دانشی تولید نشده است تا در عرصه عمل پژوهش مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، مبحث روش‌شناختی گرچه مورد توجه محققان قرار گرفته و محققان برجسته‌ای نظیر به آن پرداخته‌اند، ولی در مجموع شاخص‌های انسانی، ساختاری و عملکردی آن جهت‌گیری به سمت وضعیت نامطلوب را نشان می‌دهد و این بدان معناست که تا شکل‌گیری چرخه دانش در این حوزه فاصله بسیار زیادی وجود دارد.

چرخه تولید دانش در حوزه مبانی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به طور طبیعی باید به وسیله گروه‌های علمی که اسلامی‌سازی روان‌شناسی و علوم اجتماعی را پیگیری می‌کنند، ایجاد شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در وضعیت فعلی نه دوره آموزشی در خصوص نیازهای خاص حوزه تعلیم و تربیت برگزار می‌شود و نه محققان برجسته و دارای مرجعیت علمی تربیت شده‌اند که این نیازها را برآورده سازند. در حوزه عملکردی، کتاب‌هایی در مباحث رشد و انگیزش از دیدگاه اسلام نوشته و چاپ شده است، ولی محتوای آنها به سطح نظریه‌پردازی ناظر به مسائل و نیازهای عینی و یا به سطح بهره‌برداری از آنها در نهادهای تربیتی نرسیده است. در مجموع وضعیت این حوزه گرایش به وضعیت نامطلوب را نشان می‌دهد.

۲-۲. میزان تحقق اهداف در حوزه مسائل تربیتی

دانش تربیتی در حوزه مسائل تربیتی در زیرشاخه دانش تاریخی - تربیتی و فقه‌التربیه از وضعیت نسبتاً مطلوب برخوردار است. دانش تاریخی - تربیتی در مراکز آموزشی و پژوهشی به همراه فلسفه تعلیم و تربیت درجه ۱ در یک گرایش با عنوان «تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت با گرایش تعلیم و

تربیت اسلامی» آموزش داده می‌شود و بنابراین، وضعیت مشابه وضعیت فلسفه تعلیم و تربیت درجه ۱ پیدا کرده است.

اگرچه تنها در مؤسسه اشراق و عرفان و جامعه المصطفی به فقه‌التربیه پرداخته شده و در یکی از مؤسسات کار پژوهشی و در دیگری کار آموزشی انجام می‌شود، ولی به علت مدیریت خوب این حوزه، جایگاه مناسبی در شاخص‌های انسانی و عملکردی پیدا کرده است و آینده خوبی برای آن پیش‌بینی می‌شود.

دانش تربیتی در حوزه مسائل تربیتی در زیرشاخه ساحت‌های تربیتی وضعیت مناسبی ندارد و گرایش به وضعیت نامطلوب را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول برمی‌آید، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اقدام به تأسیس دو گرایش در حوزه ساحت تربیت دینی و ساحت تعلیم و تربیت ارزش‌ها و تربیت نیرو (به تعداد ۲۱ نفر) کرده است، اما بررسی نتایج نشان می‌دهد که برگزاری دوره‌ها به تربیت نیروی انسانی برجسته و دارای مرجعیت علمی منجر نشده است. بررسی‌ها در حوزه عملکردی نیز نشان می‌دهد که دیدگاه‌های اسلامی در حوزه ساحت‌ها استخراج شده، ولی به سطح نظریه‌پردازی در حوزه مسائل و نیازهای عینی نرسیده است. بررسی میزان بهره‌برداری از دانش تولید شده نشان می‌دهد، از این دانش در تدوین مبانی نظری سند ملی آموزش و پرورش و در تدریس استفاده شده است.

بررسی دانش تربیتی در حوزه مسائل تربیتی در زیرشاخه دانش‌های تجویزی وضعیت نامطلوب را نشان می‌دهد. همان‌طور که اطلاعات مندرج در جدول نشان می‌دهد در سه مرکز آموزشی دوره آموزشی در گرایش‌های روان‌شناسی تربیتی، مدیریت آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و آموزشی و معارف اسلامی و علوم تربیتی برگزار می‌شود. ۵۷ دانشجو در این گرایش‌ها مشغول تحصیل هستند. بررسی کیفی وضعیت این سه مرکز نشان می‌دهد که دانشگاه امام صادق (ع) در این زمینه موفق‌تر عمل کرده است؛ دوره‌ها مرتب برگزار می‌شود و پایان‌نامه‌های خوبی هم تدوین شده است. بررسی وضعیت کیفی نیروهای انسانی نشان می‌دهد که هنوز محققان برجسته‌ای که دارای مرجعیت علمی باشند، در این زیرشاخه تربیت نشده است. دانش تولید شده نیز به سطح بهره‌برداری نرسیده است و در مجموع تا شکل‌گیری چرخه تولید دانش فاصله زیادی وجود دارد.

۲-۳. میزان تحقق اهداف در حوزه پشتیبانی علمی

هویت‌یابی هر رشته علمی تا اندازه زیادی به دانش تولید شده در حوزه پشتیبانی علمی از آن دانش بستگی دارد. این امر در حوزه رشته تعلیم و تربیت اسلامی ضرورتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا

بسیاری از محققان با زبان عربی آشنایی ندارند و لازم است منابعی که کار پژوهش را تسهیل می‌کند، تدوین شود. در این حوزه تا کنون مجموعه‌های روایی- تربیتی و قرآنی- تربیتی عام تدوین شده است و تا حدی نیازهای محققان را برطرف می‌کند؛ در حوزه ترجمه آثار مفیدی از عربی به فارسی ترجمه شده است. چند اثر نیز در حوزه کتاب‌شناسی تألیف شده، اما هنوز معاجم روایی برحسب گرایش‌ها و زیرشاخه‌ها و موضوعات تربیتی تدوین نشده است. همچنین جای اصطلاح‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها خالی است.

جمع‌بندی نهایی از وضعیت دانش تربیت اسلامی به منزله رشته علمی با توجه به رسالتی که برای این حوزه دانشی لحاظ شده است، ارائه می‌شود. رسالت دانش تعلیم و تربیت اسلامی، همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، این است که دانش نظری، تجربی و عملی جایگزین یا دست‌کم دارای کارآمدی قابل مقایسه با دانش تربیتی سکولار در اختیار نهادهای علمی قرار دهد که رکود علمی را در زمینه نظریه‌پردازی تربیتی جبران کند و در نهایت زمینه استقرار نظام آموزشی را بر مبنای دیدگاه اسلامی و بومی فراهم کند.

با توجه به وضعیت زیرشاخه‌های دانش تربیتی در حوزه مباحث فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مباحث تاریخی- تربیتی، فقه‌التربیه و استخراج دیدگاه اسلامی در قلمرو اهداف غایی، واسطی، اصول، روش‌ها، عوامل، موانع و ساحت‌ها می‌توان ادعا کرد که در مجموع وضعیت نیروی انسانی، ساختاری و عملکردی در این حوزه‌ها نسبتاً مطلوب است، اما در حوزه دانش‌های تجویزی که پیکره اصلی دانش تربیتی جدید را تشکیل می‌دهد، با فقدان و کمبود نیروی انسانی، ساختار و آثار مناسب مواجه هستیم. پیامد این وضعیت نیز استمرار عمل نهادسازی و ایجاد تحول در آنها به وسیله دانش تربیتی سکولار است.

موانع دستیابی به اهداف

پس از تعیین اهداف و وضعیت موجود دانش تربیت اسلامی نوبت به پاسخ پرسش سوم تحقیق می‌رسد. پرسش سوم مربوط به موانع تحقق اهداف و به عبارت دیگر جستجوی عواملی است که موجب عدم تحقق اهداف یا تحقق ناقص آنها شده است. از نگاهی کلی می‌توان موانع را به دو دسته تقسیم کرد: موانع درونی و موانع بیرونی.

موانع بیرونی موانعی است که جریان سکولار و غیرمعتقد به اسلامی‌سازی دانش تربیتی در راه تحقق دانش ایجاد می‌کند؛ برای نمونه، امکان، ضرورت و مفید بودن اسلامی‌سازی دانش را زیرسؤال می‌برد یا اساساً آن را جریانی سیاسی می‌داند. موانع درونی موانعی است که درون سیستم

تولید دانش تربیت اسلامی وجود دارد که یا ناشی از سیاست‌گذاری‌های کلان در کشور یا ناشی از سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در مراکز آموزشی و پژوهشی است.

نگارنده در پژوهش (ممیزی علوم تربیتی «تربیت اسلامی») که برای معاونت راهبردی ریاست جمهوری انجام داده است، نشان داده است که چگونه عوامل زیست‌بوم‌شناختی، روش‌شناختی، سیاسی، مدیریتی، روان‌شناختی و اقتصادی زمینه‌ساز عدم تحقق اهداف ترسیم‌شده برای تولید دانش تعلیم و تربیت اسلامی شده است (نوذری، ۱۳۹۱، ص ۷۳-۸۰).

اکنون با نگاهی از منظر بالا به موانع مذکور می‌توان سطح بالاتر و انتزاعی‌تری از موانع را ترسیم کرد که ریشه موانع است. جایگاه این دست از موانع پیش از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای اسلامی‌سازی دانش تربیتی است. نگارنده برای این دست موانع عنوان «موانع شناختی تدوین برنامه پژوهشی و آموزشی» را انتخاب کرده است، موانع شناختی تدوین برنامه پژوهشی و آموزشی فقدان مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که بصیرت و بینش لازم را برای هدایت عمل برنامه‌ریزان در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت و ارزشیابی فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد موانع شناختی، اصلی‌ترین مانع در راه دستیابی به اهداف ترسیم‌شده و مولد موانع دیگر است. نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های مذکور که فقدان آنها مانع محسوب می‌شود، مشتمل بر موارد ذیل است:

الف) شناسایی مختصات دانش مطلوب تربیتی و تفاوت و تمایز آن با دانش تربیتی در سنت خودی و غربی

اندیشه «اسلامی‌سازی دانش تربیت اسلامی» با نفی حجیت و مفید بودن دانش تربیتی سکولار و نفی کارآمدی دانش تربیتی موجود در سنت خودی برای حل مشکلات جوامع اسلامی، فعالیت خود را برای تولید دانش تربیتی که از حجیت، عقلانیت و کارآمدی برخوردار باشد، آغاز کرد. اما در ابتدا مختصات دانش مطلوب تربیتی و اینکه دانش جدید چه تمایزات و تشابهاتی با دانش تربیتی در سنت غربی و اسلامی دارد، مشخص نکرد. مسائلی مانند تعریف، اهداف، قلمرو موضوعات و مسائل و روش‌شناسی تعلیم و تربیت اسلامی که بصیرت لازم را برای ورود در تولید دانش تربیتی را فراهم می‌کند، مورد توجه واقع نشد و تلقی‌های ساده‌اندیشانه‌جانشین یک تلقی واقعی از دانش تعلیم و تربیت اسلامی به منزله رشته تعلیم و تربیت اسلامی شد. نتیجه فقدان بصیرت لازم نسبت به مختصات دانش مطلوب تربیتی این شد که (۱) هدف غایی از دانش تربیت اسلامی که همانا ایجاد تحول در نهادهای آموزشی و بازسازی تمدن اسلامی است، فراموش شود

و آثاری در حوزه تربیت اسلامی تدوین شود که با حوزه عمل تربیتی و توان مداخله در بازسازی نهادها و حل مسائل و چالش‌های عینی تربیتی بیگانه باشد؛ ۲) تربیت اسلامی به عنوان یک رشته علمی و دانشگاهی که بایستی مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی واقعیات و روابط عینی تربیتی و اهداف را شناسایی کند و به تولید نظریه در این حوزه بپردازد، به استخراج مبانی، اصول و روش‌ها تقلیل یافت و نظریه پردازی درباره واقعیات و روابط عینی تربیتی به فراموشی سپرده شد؛ ۳) روش‌شناسی تربیت اسلامی که می‌بایستی روش تولید دانش تربیتی جدید را نشان دهد، به نفی روش تولید علم سکولار و بیان کلیاتی درباره روش‌شناسی تربیتی اسلامی انجامید که در مقام عمل، مشکلی را از نیاز محقق تربیت اسلامی به روش تحقیق برطرف نکرد.

ج) شناسایی قوانین حاکم بر تولید علوم انسانی با توجه به هویت اجتماعی علم

علم به معنای discipline یک پدیده اجتماعی است؛ زیرا که محتوی عناصر هنجاری و استانداردهایی است که تنها در صورت پذیرش عالمان جامعه هویت می‌یابد. ظهور و بروز پدیده‌های اجتماعی نیز معروض قوانین عام و خاصی هستند که شناسایی آنها به ما خواهند گفت که چگونه می‌توان در پدیدارشدن آنها مداخله و اعمال مدیریت کرد و در صورت امکان مداخله به چه میزان و چگونه می‌توان این را انجام داد؛ بنابراین، مدیریت تحول در نظام تولید علوم انسانی خود مقتضی شناخت علمی از این موضوع است (فتحعلیخانی، ۱۳۹۱).

نخستین گام به منزله پیش‌نیاز برای رویش علوم انسانی در یک جامعه تغییر نگرش محققان نسبت به عالم وجود است. تغییر نگرش محققان نیز از طریق نفی تفسیر موجود عالم از عالم وجود و ارائه تفسیر تازه از آن رخ می‌دهد. برای نمونه، در غرب ابتدا ظهور تفسیری تازه از هستی در آرای فیلسوفانی مانند دکارت و بیکن و جان لاک اتفاق افتاد. این تفسیر تازه از هستی که مقتضی مناسبات و روابط اجتماعی جدیدی بود، به تدریج مورد پذیرش عالمان قرار گرفت و تلاش برای ایجاد تحول در نظام‌های اجتماعی موجود به سمت بنای نظام اجتماعی مطلوب از طریق تولید علوم انسانی آغاز شد (داوری اردکانی به نقل از: عرب‌زاده، ص ۱۱۹-۱۳۱). بنابراین، رویش علوم انسانی در هر جامعه مستلزم دو امر است: ۱) تفسیر تازه از هستی که مقتضی نظام‌های اجتماعی و انسانی جدید است؛ ۲) وجود محققان و عالمانی که طالب نظام اجتماعی تازه هستند و تلاش می‌کنند تا بنیان‌های علمی و تکنولوژیک را برای ایجاد تحول در نظام‌های موجود فراهم کنند.

انقلاب اسلامی در ایران زمینه طلب نظام اجتماعی تازه را فراهم کرده است. امام خمینی (ره) اندیشه خود را در دوران پیش و پس از انقلاب درباره ویژگی‌ها و مقتضیات نظام اجتماعی جدید

مطرح کرد و از طرف بسیاری از عالمان و محققان پذیرفته شد. عکس‌العمل محققان برای تولید علم در جهت تحقق نظام‌های اجتماعی متفاوت بود. گروهی از اساتید با تمسک به جهانی بودن قوانین علمی ضرورت نیاز به تولید علم انسانی جدید را نفی می‌کردند. برخی از فضلالی حوزه با نظر به منابع معرفتی دینی موجود خود را بی‌نیاز از تولید علوم انسانی می‌دیدند. گروه سوم تولید علوم انسانی را از مجرای بازسازی متون درسی دانشگاهی دنبال کردند. نتیجه چنین نگاه‌هایی این شد که در عرصه تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مجدداً دانش تربیتی غربی به میدان آمد و بنیان‌های علمی تحول نظام‌های اجتماعی را در اختیار نهاد.

گام دوم برای تولید علوم انسانی به شیوه مواجهه عالمان در بازسازی نظام‌های اجتماعی اشاره دارد. تولید علوم انسانی نیازمند مواجهه دیالکتیکی میان تولید اندیشه و عمل بازسازی نظام‌های اجتماعی است. منظور از مواجهه دیالکتیک این است که وقتی اندیشه‌ای برای بازسازی نظام‌های اجتماعی به کار گرفته شود، ضروری است که نتایج آن بررسی شود و بازخورد آن برای تولید اندیشه تازه در اختیار عالمان علوم انسانی قرار گیرد تا در اجرای بعدی اندیشه تازه مبنای عمل گیرد. تعامل بین تولید اندیشه و عمل بازسازی نظام‌های اجتماعی این نتایج را در پی خواهد داشت: (۱) تقرب به نظام اجتماعی مطلوب؛ (۲) تولید نظریه‌های مختلف؛ (۳) تولید مسئله پژوهش از بستر عمل بازسازی نظام‌های اجتماعی مطلوب؛ (۴) تولید روش‌شناسی‌های مختلف؛ (۵) ظهور حلقه‌های علمی؛ (۶) انتشار مجله‌های تخصصی؛ (۷) برگزاری همایش‌های تخصصی؛ (۸) تأسیس رشته‌ها و گرایش‌های علمی بر مبنای دانش انباشته شده حاصل از تعامل بین اندیشه و عمل و تدوین کتاب‌های درسی (فتحعلیخانی، ۱۳۹۱).

گام سوم توجه به مقتضیات تولید دانش تربیتی در ایران است. توضیح اینکه فرایند تولید علوم انسانی در کشورهایی مانند ایران، که دانش تربیتی و نمودهای عینی آن در قالب نهادهای تربیتی غربی شکل گرفته، مستلزم توجه به مسائل خاص است. مسئله اصلی در این کشورها اصلاح نهادهای غربی و مسلمان کردن آنهاست و این مسئله مقتضی امور ذیل است: (۱) شناخت نهادهای تربیتی غربی و علمی که بنیاد آنهاست؛ (۲) شناخت ارزش‌های حاکم بر علم و نهادهای تربیتی برخاسته از آنها؛ (۳) شناخت آسیب‌های ناشی از به‌کارگیری علم و نهادهای تربیتی برخاسته از آن؛ (۴) شناخت ارزش‌های جایگزین و مطلوب اسلامی؛ (۵) شناخت روش دستیابی به تکنولوژی نرم و نهادهای تربیتی مناسب با غایات اجتماعی؛ (۶) مهارت شناسایی پرسش‌های علمی مناسب برای ساخت تکنولوژی نرم و نهادهای تربیتی؛ (۷) داشتن مهارت تبدیل دانش به تکنولوژی؛ (۸) نهادسازی متناسب با غایات تربیت اسلامی (فتحعلیخانی، ۱۳۹۱).

فرایند بازسازی نهادهای تربیتی مانند آموزش و پرورش موجب بررسی چهار مسئله اول شده است، اما کار پژوهشی در چهار مسئله بعدی انجام نشده است.

د) توجه به مقتضیات سیاسی، اجتماعی، مدیریتی تولید علم

توسعه علم و رشته علمی در دنیای اسلامی امری است که افزون بر نیاز به وجود محققان توانمند و با انگیزه نیازمند زمینه‌های دیگری است که عدم شناخت یا بی‌توجهی به آنها در فرایند سیاست‌گذاری موجب ناکامی در تحقق اهداف می‌شود. توجه به عواملی مانند ایجاد تقاضای اجتماعی، رسمیت بخشیدن به متقاضیان در مسیر تولید علم، تعریف جامعه علمی، استانداردهای علم و اصول مدیریت دانش در دنیای معاصر از ضرورت‌های گریزناپذیر توسعه رشته علمی است.

ه) غفلت از چیرایی نیاز به دانش تربیت اسلامی

غایت دانش تربیت اسلامی همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد: (۱) استخراج دیدگاه‌های اسلامی؛ (۲) شناخت و نظریه‌پردازی در حوزه واقعیت‌ها و روابط تربیتی؛ (۳) ارائه برنامه و شیوه‌ها جهت ایجاد تحول در نظام‌های آموزشی است. در واقع دانش تربیت اسلامی ابزار ایجاد تحول در نظام‌های آموزشی و در نهایت تربیت فرد مؤمن و تحقق جامعه اسلامی پیشرفته است. اما غایت دانش تربیت اسلامی در سی سال گذشته عمدتاً چیز دیگری را جستجو کرده است. نقطه‌عزیمت تولید علوم انسانی در کشور ما به زمان بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها در سال‌های ۶۱ و ۶۲ برمی‌گردد. مسئله اصلی در این مقطع این بود که متون درسی دانشگاهی برگرفته از غرب است و این متون نیز سرشار از نظریه‌هایی است که دینداری دانشجویان را تهدید و گرایش به ارزش‌های بیگانه را تقویت می‌کند. بنابراین، هدف اصلی که در این دوره پیگیری شد و بعدها هم ادامه یافت، این بود که متونی تدوین شود که دینداری را تقویت و از انتقال ارزش‌های غربی جلوگیری کند. در واقع، تحفظ بر دینداری و گرایش به ارزش‌های اسلامی و ایرانی به منزله غایت پرداختن به علوم انسانی در نظر گرفته شد. به تبع این تلقی، بازسازی کتاب‌های درسی دانشگاهی در اولویت اصلی برنامه‌های پژوهشی قرار گرفت. نتیجه پدیدار شدن این گفتمان غفلت‌مراکز علمی از رسالت اصلی آنها بود. رسالت اصلی مراکز پژوهشی این بود که دانش و تکنولوژی‌ای را تولید کند که با استفاده از آن بتوان تحول در نهادهای تربیتی را به منظور دستیابی به وضعیت مطلوب تربیتی مدیریت کرد و در یک تعامل تدریجی هم نهادهای تربیتی اسلامی و بومی شوند و هم علوم تربیتی

اسلامی و بومی تولید شود و هم روابط و مناسبات اجتماعی و انسانی به آرمان‌های اسلامی نزدیک‌تر شوند.

و) شناسایی بستر تاریخی چگونگی تکوین رشته‌های علمی در سنت خودی و غربی

از آنجا که هدف جریان اسلامی سازی دانش تربیتی زمینه‌سازی برای تأسیس رشته تعلیم و تربیت اسلامی است، شناسایی بستر تاریخی تکوین رشته علمی در سنت خودی، مانند تکوین دانش تربیت و اخلاق در تمدن اسلامی یا تکوین دانش علوم تربیتی در غرب می‌تواند به این جریان کمک کند؛ علت این امر آن است که تأسیس رشته علمی امری اجتماعی است و بنابراین، از قوانین خاصی تبعیت می‌کند. مطالعه تاریخی بستر تکوین دانش تربیتی در غرب یا تمدن اسلامی به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا به کشف برخی قوانین تولید علم دست یابند و با گرت‌برداری و بازسازی آنها، به راه‌حل‌های مناسبی را برای تأسیس رشته علمی دست یابند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رشته تعلیم و تربیت اسلامی در وضعیت فعلی در عرصه نظریه‌پردازی و ایجاد گفتمان علمی در جامعه علمی و در عرصه عمل و تولید بنیان‌های علمی به منظور تحول در نهادهای تربیتی نمی‌تواند به عنوان رقیب و جایگزین علوم تربیتی برگرفته از غرب عمل کند و این بدان معناست که اهداف طراحان اندیشه اسلامی سازی دانش تربیتی برآورده نشده است و مراکز آموزشی و پژوهشی نتوانسته‌اند از عهده رسالتی که به عهده گرفته‌اند، برآیند.

منابع

- سند نقشه جامع علمی کشور، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب جلسات ۶۶۲-۶۷۹.
- نوذری، محمود (۱۳۹۱)، ممیزی دانش تربیت اسلامی ایران (۱۳۸۵-۱۳۸۹)، گزارش ارائه شده به معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.
- فتحعلیخانی، محمد (۱۳۹۱)، مبانی تحول نظام مدیریت تولید علوم انسانی، سخنرانی در دانشگاه شهید محلاتی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۸)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چ ۳، تهران: انتشارات مدرسه.
- اشرف، سیدعلی (۱۳۷۹)، بررسی و ارزیابی بین‌المللی تعلیم و تربیت مسلمانان (۱۹۸۹-۱۹۷۷)، ترجمه و تلخیص: دکتر مهدی سجادی، تربیت اسلامی، بهار ۷۹، ص ۷۷-۱۰۵.
- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (۱۳۹۰)، گروه علوم تربیتی در یک نگاه، گزارش منتشر شده.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: سمت.
- عربزاده، علی (۱۳۹۱)، «علم، تجدد و تحول در آثار داوری اردکانی»، فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، ش ۱، ویژه‌نامه ج ۱، ۱۱۹-۱۳۱.
- مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی ایران و اسلام (۱۳۷۴)، معرفت‌شناسی اسلامی، تهران: انتشارات ایران و اسلام.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب ۶۸۱-۶۹۱.
- نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مصوب جلسات ۶۹۸-۷۳۱.
- انجمن تعلیم و تربیت اسلامی (۱۳۹۱)، پرسشنامه‌های ممیزی دانش تربیت اسلامی.